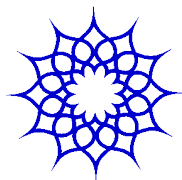


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده ی زبانشناسی

رساله ی دکتری رشته فرهنگ و زبان های باستانی

ترجمه ی دستنویس های دو زبانه ی سنسکریت-سغدی و بررسی دستوری آن

استاد راهنما:

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور اول :

دکتر محسن ابوالقاسمی

استاد مشاور دوم:

دکتر کتابون مزداپور

پژوهشگر :

مهدی مشک ریز

اسفند ۱۳۹۰

تقدیم به

پدر عزیزم، مادر مهربانم

و همسر نازنینم سارا

که محبت بی دریغ و عشق سرشارشان

پیوسته دلگرمی من و بنی مایه ی موفقیت هایم بوده است.

سپاس بیکران:

از استاد همیشه ی خود ، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که نخستین واژه های سغدی را او به من آموخت و همواره بزرگوارانه مرا هزار گونه یاری کرده است. امید است که پیوسته مراتب شاگردی ایشان را به نحو احسن بجای آورده باشم. لطف ایشان همیشه شامل حال من بوده است.

از استاد گرانمایه ام ، سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور که از ایشان بسیار آموخته ام .

و از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی که همواره الگو و سرمشق من بوده است.

از اساتید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم دانشجوی ایشان بوده ام.

ایشان را همواره بخت یار و کامیابی روزافزون باد و شادکامی و دیر زیوی از آن ایشان باد.

فهرست مطالب

چکیده.....	۱۳
نشانه ها و کوتاه نوشت ها	۱۴
فصل اول	۱۹
مقدمه.....	۲۰
۱-۱ زبان سنسکریت و پیشینه ی تاریخی آن.....	۲۲
۱-۲ ادبیات سنسکریت (سنکریت ودایی و سنسکریت باستانی).....	۲۵
۱-۳ خط سنسکریت ، پیشینه و ویژگی های آن	۲۸
۱-۴ زبان سغدی و پیشینه ی تاریخی سرزمین سغد.....	۲۹
۱-۵ زبان سغدی و ویژگی های آن	۳۴
۱-۶ ادبیات سغدی	۳۶
۱-۷ خط سغدی و ویژگی های آن	۴۲
۱-۸ تاریخ پیدایش آئین بودا	۴۳
۱-۹ پژوهش های پیشین	۴۵
۱-۱۰ روش کار این رساله.....	۴۸
فصل دوم	۵۱
۲-۱ معرفی قطعه ی وجرچ چدیکا	۵۲
۲-۲ حرف نوشت متن سنسکریت وجرچ چدیکا.....	۵۳
۲-۳ برگردان فارسی متن سنسکریت وجرچ چدیکا.....	۵۵
۲-۴ یادداشت های برگردان فارسی متن سنسکریت وجرچ چدیکا.....	۵۸
۲-۵ حرف نوشت متن سغدی وجرچ چدیکا.....	۶۱
۲-۶ آوانوشت متن سغدی وجرچ چدیکا.....	۶۳
۲-۷ برگردان فارسی متن سغدی وجرچ چدیکا.....	۶۵

۶۷.....	۸-۲ یادداشت های برگردان فارسی متن سغدی و جرچ چدیکا.....
۷۵.....	فصل سوم
۷۶.....	۳-۱ معرفی قطعه ی TSP16.....
۷۸.....	۳-۲ حرف نوشت متن سنسکریت TSP16.....
۸۰.....	۳-۳ برگردان فارسی متن سنسکریت TSP16.....
۸۲.....	۳-۴ یادداشت های برگردان فارسی متن سنسکریت TSP16.....
۸۵.....	۳-۵ حرف نوشت متن سغدی TSP16.....
۸۶.....	۳-۶ آوا نوشت متن سغدی TSP16.....
۸۸.....	۳-۷ برگردان فارسی متن سغدی TSP16.....
۹۱.....	۳-۸ یادداشت های برگردان فارسی متن سغدی TSP16.....
۹۳.....	فصل چهارم (بررسی دستوری متن های سنسکریت و سغدی).....
۱۰۳.....	فصل پنجم (واژه نامه ی سغدی - سنسکریت - فارسی).....
۱۰۴.....	درباره ی این واژه نامه
۱۰۵.....	ترتیب حروف واژه نامه سغدی
۲۰۷.....	فصل ششم (واژه نامه ی سنسکریت - فارسی).....
۲۰۸.....	ترتیب حروف واژه نامه سنسکریت
۲۷۳.....	فهرست اصطلاحات دستوری فارسی به انگلیسی
۲۷۷.....	فهرست اصطلاحات دستوری انگلیسی به فارسی
۲۸۱.....	کتاب نامه
۲۸۳.....	نمایه
.....	چکیده ی انگلیسی (Abstract).....

در این رساله به ترجمه و بررسی دستوری دستنویس های سغدی بودایی و مطابقت این دستنویس ها با متن های سنسکریتی که اساس ترجمه ی آن ها بوده اند ، پرداخته شده است .

رساله ی حاضر با نام «ترجمه ی دستنویس های دو زبانه ی سنسکریت - سغدی و بررسی دستوری آن » شامل شش فصل می باشد:

در فصل نخست زبان و ادبیات سنسکریت وسغدی معرفی شده و به پیشینه ی تاریخی زبان های سنسکریت و سغدی و نیز تاریخ پیدایش آئین بودا پرداخته شده است . آن گاه پژوهش های پیشین معرفی شده اند و روش کار اثر حاضر بیان شده است . فصل دوم شامل معرفی قطعه ی و جرچ چدیکا ، حرف نویسی متن سنسکریت و برگردان فارسی و یادداشت های برگردان فارسی متن سنسکریت و نیز حرف نویسی ، آوانویسی و برگردان فارسی قطعه سغدی و جرچ چدیکا و یادداشت های آن است . در فصل سوم قطعه ی TSP16 معرفی شده است سپس حرف نویسی متن سنسکریت و برگردان فارسی و یادداشت های برگردان فارسی دستنویس سنسکریت و آن گاه حرف نویسی ، آوانویسی و برگردان فارسی قطعه ی سغدی TSP16 و یادداشت های آن ارائه شده است. این قطعه براساس متن شانزدهم کتاب « متن های سغدی پاریس » (Textes Sogdiens Paris) ویراسته ی سغدی شناس فرانسوی ، پروفیسور امیل بنونیست (Émil Benveniste) تنظیم شده است . فصل چهارم رساله به بررسی دستوری متن های دو زبانه ی سنسکریت و سغدی می پردازد . فصل پنجم در برگرفته ی واژه نامه ی سه زبانه ی سغدی - سنسکریت - فارسی است که واژه نامه ای بسامدی می باشد و در آن به بررسی دستوری و ریشه شناختی و اژه های متن نیز پرداخته شده است. ششمین فصل شامل واژه نامه ی سنسکریت - فارسی بوده و واژه های متن های سنسکریت مورد تحلیل دستوری و ریشه شناسی قرار گرفته اند. در پایان فهرست اصطلاحات دستوری فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی ، کتاب نامه ، نمایه و چکیده ی انگلیسی ارائه شده است .

سنجش میزان قدرت و کفایت مترجم سغدی ، ارزیابی چالش های وی با پیچیدگی های زبان ، سبک و اصطلاحات فنی متن اصلی ، سنجش میزان دانش او از زبان های مبداء و مقصد و اشراف وی بدان ها ، اصطلاحات و واژه هایی که در خلال ترجمه خلق شده و به زبان سغدی راه یافته اند ، میزان وفاداری برگردان سغدی به متن اصلی ، ارزیابی تفسیرهای نادرست برگردان سغدی و سرانجام تحلیل دستوری و ریشه شناختی این گونه متون از دستاوردها و اهداف این پژوهش بوده است.

نشانه‌ها و کوتاه نوشت‌ها

نشانه‌ها

رجوع کنید به	←
واژه‌ها و عبارت‌های روان‌تر و آشنا‌تر	(=)
معنی	« »
یا	/
در برگردان فارسی، برای افزودن مطلبی به متن اصلی	< >
حذف‌های ضروری از دست‌نویس	{ }
جاهای خالی در دست‌نویس	[]
حذف‌های ضروری در آوانوشت	()
مشتق از	<
آوانوشت واژه‌ها یا حروف (یعنی نحوه تلفظ آن)	/
پیش از واژه‌های بازسازی شده یا واژه‌های زبان‌های مفروض	*
ارجاع به شماره پاراگراف	§
ابهام در آوانوشت یا متنی	?
ریشه‌ی فعل	√

کوتاه نوشت ها

الف - فارسی

اسم	ا.
ادات	اد.
ادات تأکید	اد.ت.
ادات نفی	اد.نف.
اوستا	او.
پیشوند فعلی	پ.ف.
پاری	پار.
پسوند	پس.
پسواژه	پسو.
جمع	ج.
حرف اضافه	ح.ا.
ختی	خ.
ختنی	خت.
ارجاع به شماره صفحه ← زرشناس، ۱۳۸۷	دس.سغ.
ریشه ی فعل	ر.ف.
ستاک	ستا.

سغدی	سغ.
سنسکریت	سن.
ارجاع به شماره صفحه ← زرشناس، ۱۳۸۰	ش.مت.
صفت	ص.
صفت اشاره	ص.ا.
صفت دارندگی	ص.د.
صفت فاعلی گذرا	ص.ف.گ.
صفت فاعلی ناگذر	ص.ف.ن.
صفت مفعولی آینده	ص.م.آ.
صفت مفعولی گذشته	ص.م.گ.
ضمیر	ض.
ضمیر اشاره	ض.ا.
ضمیر شخصی	ض.ش.
عدد	عد.
فعل	ف.
فارسی باستان	فب.
ارجاع به شماره ی مدخل ← قریب، ۱۳۸۳	فر.سغ.
فارسی میانه ی زردشتی	فم.
فارسی نو	فن.
قید	ق.
مفرد	م.

مذکر	مذ.
مصدر	مص.
مونث	مو.
موصول	موص.
نگاه کنید (به)	نک.

Ai W.	→ Bartholomae,1906
AMP.	→Nyberg.1974
ASED.	→Monier-Williams,1899
CPD.	→میرفخرایی،۱۳۸۳
DKS.	→Baily,1979
GMS.	→Gershevitch,1961
Macd.	→MacDonell,1927
Mayr.	→Mayrhofer,1972
OP.	→Kent,1953
RVPD.	→Whitney,1885
SG.	→Whitney,1924
stsp	روایت سنسکریت شانزدهمین قطعه ی سغدی در کتاب متن های سغدی پاریس
svaj	روایت سنسکریت قطعه ی وجرچ چدیکا
TSP.	→Benveniste,1940
tsp	شانزدهمین قطعه ی سغدی در کتاب متن های سغدی پاریس
vaj	قطعه ی سغدی وجرچ چدیکا

فصل اول

کشف انبوه دستنویس های سغدی بودایی که بزرگترین مجموعه ی متن های سغدی را پدید می آورند ، از حضور و کوشش مستمر مترجمان بودایی مذهب در صومعه های بودایی واقع در آسیای میانه حکایت می کند . بسیاری از متن های سغدی بودایی یافته شده (از جمله قطعه سغدی بودایی وجرچ چدی کا و قطعه ی سغدی بودایی دیگری که با نشانه ی TSP16 نمایان شده است) ترجمه هایی از زبان چینی بوده اند که مترجمان این متن ها ، به جهت اعتبار بخشیدن به ترجمه ها ، آن ها را ترجمه هایی از زبان سنسکریت معرفی کرده اند و برخی از این متن ها هر چند که اصلاً از زبان چینی به زبان سغدی برگردانده شده ، بعد ها با روایتی به زبان سنسکریت همراه شده اند و گاه حتی در طوماری واحد نگاشته شده اند .

تعداد دستنویس های سغدی بودایی که روایت سنسکریت آن ها موجود است ، اندک و انگشت شمارند هر چند این دستنویس های سغدی بودایی ، چنان که امروز می دانیم از روایت چینی کهنی ترجمه شده اند ، اما اساس روایت چینی خود متنی به زبان سنسکریت بوده است ، از این رو روایت سغدی بودایی با روایت سنسکریت یافت شده ، چه از نظر واژگانی و چه از نظر محتوا و مضمون دارای شباهت های قابل ملاحظه ای است .

گرچه در خلال ترجمه از سنسکریت به چینی و آن گاه از چینی به سغدی تفاوت های چشم گیری نیز در دستنویس سغدی پدید آمده است ، اما با پژوهش و ترجمه و تطبیق این گونه دستنویس های دو زبانه کیفیت ترجمه متون بودایی مورد ارزیابی قرار می گیرد . به بیان دیگر در بررسی این گونه دست نویس ها میزان دانش و مهارت و خلاقیت مترجم و ردپای چالش های وی با پیچیدگی های زبان ، سبک و اصطلاحات فنی خاص متن اصلی در چهارچوب ترجمه اش آشکارا ملاحظه می شود و به وضوح دیده می شود که ترجمه ی وی هرگز نتوانسته است بازتاب کامل طرز بیان ، سبک ، بافت و حال و هوای متن اصلی باشد .

نثر پیچیده و مشحون از اصطلاحات خاص دینی و فلسفی بازگردانده شده که برای ترجمه به زبان سغدی به کار رفته اند ، به وضوح قدرت و میزان توانایی مترجم را در ترجمه این گونه متون در بوته ی نقد قرار می دهند و آن چنان که دیده می شود حتی در پاره ای موارد مترجم ناچ ار بوده است که گویایی و روانی و توانایی بیانی عادی زبان سغدی را رها کرده ناگزیر نثری بسیار پیچیده ، دشوارفهم و غامض را عرضه دارد و

حتی فراتر از آن سبب شده است که وی برحسب ضرورت ، اصطلاحاتی بی پایه و خود ساخته را ارائه دهد تا به اصطلاحات متن اصلی بسیار نزدیک تر و وفادار باقی بماند.

همه ی این موارد سرانجام به ابهام در درک مطلب و تفسیر دشوار متن های این چنین منجر شده است.

در این پژوهش نخست زبان و ادبیات سنسکریت و سغدی و تاریخ پیدایش آیین بودا به اجمال و برحسب ضرورت و ارتباط با محتوی این گونه متون عرضه می شود و آن گاه ارزیابی و تطبیق و ترجمه و نیز بررسی دستوری این دستنویس های دو زبانه ارائه می گردد.

۱- از زبان سنسکریت و پیشینه ی تاریخی آن

سنسکریت نامی است که هندیان باستان برای زبان کهن خویش برگزیده بوده اند. این نام به صورت *samskr̥ta* برای نخستین بار در حماسه ی راماینه^۱ به کار رفته اند که تاریخ سرایش آن در فاصله ی سالهای ۴۰۰ تا ۲۰۰ پیش از میلاد بوده است.

samskr̥ta از دو جز *-sam* که پیشوند به معنی «هم» است (مقایسه شود با *-ham* در زبان اوستایی) و *-kr̥ta* که صفت مفعولی به معنی «کرده» و از ریشه ی \sqrt{kr} «کردن» است، ساخته شده و لفظاً به معنی «ترکیب شده، هم کرده» است، اما مجازاً به معنی تکمیل شده، پرورنده، پرورده، فصیح، کامل، پخته است. (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۴، ص الف؛ راشد محصل، ۱۳۸۹، ص ۴)

زبان سانسکریت یکی از مهم ترین اعضای شاخه ی زبان های آریایی است زبان های آریایی شاخه ای بسیار مهم از خانواده بزرگ زبان های هند و اروپایی^۲ را تشکیل می دهد.

هندواروپاییان قومی سفید پوست بودند که در حدود پنج هزار سال پیش از میلاد در دشت های جنوب روسیه ی کنونی، در منطقه ای که از شرق به رشته کوه های اورال و از غرب به رود دنیپر محدود می شود، می زیستند. گروه هایی از این قوم از اوایل هزاره ی چهارم پیش از میلاد به بعد به تدریج به مناطق دو و نزدیک مهاجرت کردند. گروهی از این مهاجران که در حدود هزاره ی سوم پیش از میلاد در بخش هایی از آسیای مرکزی کوچ نشینی می کردند، خود را *-arya** «آریایی» می نامیدند که به معنای «آزاده، اصیل، نجیب، شریف» است.

این نام در متون سنسکریت به صورت *-ārya*، در اوستا به صورت *-airiia* و در کتیبه های فارسی باستان به صورت *-ariya* بر جای مانده است.

آریاییان در اوایل هزاره ی دوم پیش از میلاد به دو گروه بزرگ «هندوآریایی»^۳ و «ایرانی» تقسیم شدند. دسته ی کوچکی از هندوآریاییان به سوی آسیای صغیر و شمال بین النهرین روانه شدند و با هوریان^۴ درآمیختند.

وجود واژه های هندوآریایی در کتیبه های میخی میتانی^۵ که متعلق به حدود سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۳۰۰ پیش از میلاد است، شاهدهی بر حضور هندوآریاییان در آن منطقه است.

برخی از این واژه ها نام های خدایان و شاهزادگان و اصطلاحات مربوط به سوارکاری و پرورش اسب است. از این رو می توان نتیجه گرفت که هندوآریاییان میتانی به طبقات حاکم نیز راه یافته بودند. گونه ی زبانی به کار رفته در این واژه ها را می توان «آریایی میتانی» نامید.

شواهد زبان شناختی وجود دسته ای دیگر از هندوآریاییان را در شمال دریای سیاه و در میان قبایل ایرانی تبار اسکیتی^۶ (سکایی غربی) تأیید می کند. پیش تر همه واژه های آریایی آن منطقه را که در منابع یونانی ثبت شده است واژه ه ای اسکیتی و در نتیجه ایرانی می پنداشتند اما اکنون تردیدی در هندوآریایی بودن برخی از آنها نیست.

با وجود این، پیکره ی اصلی هندو آریاییان در فاصله ی سال های ۱۷۰۰ و ۱۲۰۰ پیش از میلاد با گذر از رشته کوه های هندوکش، در شمال افغانستان کنونی، نخست به شمال غرب هند (پنجاب و نواحی مجاور آن) گام نهاد و سپس به تدریج مناطق شرقی و جنوبی شبه قاره را نیز به تصرف خود درآورد.

شواهد زبان شناختی نشان می دهد که زبان مشترک آریاییان آسیای مرکزی پس از مهاجرت های آنان نخست به دو شاخه تقسیم شد. شاخه ی نخست را به دلیل آن که اکنون بازماندهایش در نورستان، واقع در کوهستان های شمال شرق افغانستان، رواج دارد می توان «نورستانی آغازین» نامید. نورستان را پیش از گرویدن ساکنانش به اسلام در سال ۱۸۹۶ میلادی «کافرستان» می نامیدند. از این رو، در برخی از منابع قدیم به جای «زبان های نورستانی» از اصطلاح «زبان های کافری» استفاده شده است.

دومین شاخه را که از زبان آریایی منشعب شده است را می توان «هندوایرانی آغازین» نامید. این زبان پس از گذشت قرن ها در مناطق مختلف دگرگونی های مختلف یافت و سرانجام سه زیرشاخه از آن منشعب گردید که عبارتند از:

زیر شاخه ی زبان های ایرانی، زیرشاخه ی زبان های دردی^۷ و زیر شاخه ی زبان های هندوآریایی.

زیرشاخه ی زبان های هندوآریایی، آریایی میتانی، آریایی شمال دریای سیاه و همه ی زبان های قدیم و جدید هندی را شامل می شود.

^۳ Indo-Aryan
^۴ Hurrians
^۵ Mitanni
^۶ Scythian
^۷ Dardic

زبان های هندی در طول تاریخ خود از سه دوره ی باستان، میانه و نو گذر کرده اند.

(رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۴، ص ب)

گروه زبانی هند و ایرانی، زبان مشترک هندی ها و ایرانی ها از زمان جدا شدن از هندواروپایی ها تا هنگام جدایی شاخه ی هندوایرانی است و زمان تقریبی این زبان مشترک، هزاره ی دوم پیش از میلاد است.

شاخه ی هندی گروه زبلی هندوایرانی، زبانی را در برمی گیرد که هندی ها پس از جدایی از ایرانیان به کار می بردند و این زبان هرچند در آغاز با شاخه ی ایرانی خود تفاوت نداشت، به تدریج و در طول زمان ویژگی هایی به خود گرفت که آن را از شاخه ی ایرانی خود ممتاز ساخت. (راشد محصل، ۱۳۸۹، ص ۴)

زبان های هندی در طول تاریخ خود از سه دوره ی باستان، میانه و نو گذر کرده اند . سنسکریت از زبان های هندی باستان است .

هندی های باستان پس از ورود به هند در پنجاب ساکن شدند و نخستین اثری که به زبان سنسکریت به وجود آمد سرودهای مقدس ریگ ودا^{۱۰} است که مربوط به ۱۲۰۰ پیش از میلاد است ناحیه ای که این سرودها در آن شکل گرفت در غرب ، به سند^{۱۱} ، در شرق به سوتلج^{۱۲} و در شمال هیمالیا محدود می شد ، سرودهای ستایشی ورونه^{۱۳} ، اوشس^{۱۴} در پنجاب و سرودهای دیگر در سرسوتی^{۱۵} در جنوب امباله^{۱۶} ی امروزی بود . به سبب قدمت این سرودها آگاهی های ما درباره ی تمدن و فرهنگ هندی های باستان نیز از ریگ ودا مایه می گیرد. (راشد محصل، ۱۳۸۹، ص ۴)

همان طور که گفته شد کهن ترین گونه ی زبان سنسکریت ، سنسکریت ودایی است که از اواسط هزاره ی دوم پیش از میلاد برای سرایش وداها^{۱۷}، سرودهای مقدس هندوان ، و در فاصله سال های ۸۰۰ تا ۵۰۰ پیش از میلاد برای نگارش براهمنه ها^{۱۸}، تفاسیر وداها ، مورد استفاده قرار می گرفت .

پس از براهمنه ها ، زاهدان جنگل نشین تفاسیری عرفانی بدان ها افزودند که آرنیکه ها^{۱۹} (= <متون > جنگلی) خوانده می شوند. متفکران هندو نیز اندیشه های فلسفی خود را تحت عنوان اوپنیشد ها^{۲۰} (= هم نشینی ها) به

^۸ Vedic Sanskrit
^۹ Classical Sanskrit
^{۱۰} Rigvedā
^{۱۱} Indus
^{۱۲} Sutlej
^{۱۳} Varuṇa
^{۱۴} Uṣas
^{۱۵} Sarasvati
^{۱۶} Ambāla
^{۱۷} Vedā
^{۱۸} Brāhmaṇa
^{۱۹} āraṇyaka
^{۲۰} Upaniṣad